

به نام خدا

همایش ملی زبان و ادبیات فارسی

«سند هویت ملی»

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

اسفند ماه ۱۳۸۶

عنوان مقاله :

شاهنامه و هویت ملی

سید علی رضوانی

چکیده :

بسی رنج بردم در این سال، سی عجم زنده کردم بدین پارسی

چو عیسی من این مردگان را تمام سراسر همی زنده کردم به نام

استقلال هر ملتی پیرامون فرهنگ آن ملت دور خواهد زد. اگر ملتی بخواهد برتری و اختلاف خود را با سایر ملت‌ها بداند باید به فرهنگ سنتی و معنوی و روحانی خود روی بیاورد. به زبانی دیگر، اگر بخواهیم امروزه، در این کره‌ی خاکی، نام ایران و ایرانی، زنده و جاوید و پایدار داشته شود باید فرهنگ سنتی قوم ایرانی را پیوسته پاسداری کنیم.

نگارنده بر آن است تا در این مقاله ضمن بیان دلایل عمده‌ی توجه به شاهنامه و شاهنامه‌سرایی، از شاهنامه به عنوان برگ زرین تاریخ و هویت ملی و یکی از مهم‌ترین عوامل انسجام و وحدت ملی ایران زمین یاد کند.

واژگان کلیدی: شاهنامه، ایران، استقلال، فرهنگ، هویت ملی.

درآمد :

سرزمین ایران از دیرباز مهد شاعران و نویسندگان عالی مقامی بوده است که نامشان همواره بر تارک همیشه سبز این مرز و بوم می درخشد. در این میان برخی توانسته‌اند با سخنان شیرین، دلنشین و دلنشانشان در دل‌های خوانندگان راه یابند و عده‌ای به اعتبار پرداختن به رخداد‌های ملی و حوادث قومی با زندگی مردم پیوندی عمیق و ناگسستنی برقرار نموده‌اند.

استاد مسلم عرصه‌ی ادب پارسی، حکیم ابوالقاسم فردوسی، از شاعران بنامی است که توانسته است به یاری اندیشه و خیال و به انگیزه‌ی احساسات بشردوستانه و علایق ملی خود، کاخی عظیم - به نام شاهنامه - را برپای نماید. کاخی استوار و مجلل از سخن، که از باد و باران زمانه و گردش روزگاران، هرگز صدمه و آسیبی نخواهد دید و جاودانه سر بر آسمان افتخارات فرهنگی و ملی ایران زمین خواهد سایید.

می‌دانیم که استقلال هر ملتی پیرامون فرهنگ آن ملت دور خواهد زد. اگر ملتی بخواهد برتری و اختلاف خود را با سایر ملت‌ها بداند باید به فرهنگ سنتی و معنوی و روحانی خود روی بیاورد. به زبانی دیگر، اگر بخواهیم امروزه، در این کره‌ی خاکی، نام ایران و ایرانی، زنده و جاوید و پایدار داشته شود باید فرهنگ سنتی قوم ایرانی را پیوسته پاسداری کنیم.

بزرگ مرد تاریخ بی‌نظیر ایران اسلامی، حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه‌ی عظیم خود را با شمارگانی حدود شصت هزار بیت سرود تا با تمام وجود به زندگی فرهنگی و تاریخی قوم ایرانی پرداخته باشد و الحق توانست از عهده‌ی این مهم نیک برآید.

نگارنده بر آن است تا در این مقاله ضمن بیان دلایل عمده‌ی توجه به شاهنامه و شاهنامه‌سرایی، از شاهنامه به عنوان برگ زرین تاریخ و هویت ملی و یکی از مهم‌ترین عوامل انسجام و وحدت ملی ایران زمین یاد کند.

اسلام، تجلی محراب عشق:

قبل از ظهور اسلام، دو دولت نیرومند «روم» و «ساسانی» به بخش عمده‌ای از دنیای متمدن آن عهد حکومت می‌کردند و از دیرباز برای گسترش مناطق مرزی و تحت نفوذ خویش گرفتار جنگ‌های خویش با یکدیگر بودند. در این میان پایه‌های حکومت ساسانیان به علت جنگ‌های بیست و چهار ساله با رومیان و پرداخت به تجملات درباری و رونق کنیزبارگی و رواج تبیض، فساد و ظلم لحظه به لحظه متزلزل‌تر می‌شد تا اینکه با ظهور اسلام و حمله‌ی اعراب مسلمان و جنگ‌های متعدد با ایرانیان، این پایه‌های به ظاهر قوی فرو ریخت و بساط ظلم و ستم و فساد، در زیر خروارها خاک مدفون گردید و فرهنگ ایرانیان، گرفتار رکود و فترت شد. به قول خاقانی:

«پرویز کنون گم شد، زان گم شده کمتر گوی

زرین تره کو برخوان؟ رو کم تر کوا برخوان»^۱

از جمله مهم‌ترین عوامل مهم پیروزی اعراب بر مسلمانان همانا تعالیم والای اسلام، وحدت کلمه‌ی بین اعراب، تنگی معیشت، داشتن روحیه‌ی قوی، سرعت در عمل و نیز برخورداری از مردان قوی و نیرومندی بود که زیردست یکی از بزرگترین مردان جهان تربیت یافته بودند.^۲

^۱ . دیوان خاقانی، تصحیح، مقدمه و تعلیقات از ضیاءالدین سجادی، انتشارات زوار، چاپ سوم، ۱۳۶۸، ص ۳۵۹.

^۲ . تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله، انتشارات ققنوس، چاپ پنجم، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۸.

از دیگر سوی، اعراب پیروز شده کم‌کم گرفتار غرور و تکبر شدند و نوعی برتری کاذب بر ایرانیان، فضای فکر و اندیشه‌ی آنان را فرا گرفت. سخن اصلی ما از این‌جا آغاز می‌شود. یعنی اینکه بدانیم تمام حرکت‌های ملی، فرهنگی، ادبی همچون نهضت‌های تألیف کتاب، نهضت‌های ترجمه و یا قیام‌های نهضت شعوبیه و ... در پس این کج‌اندیشی‌ها آغاز شد تا دوباره فرهنگ «چهار قرن قبل» که گرفتار فترت و رکود شده بود بار دیگر احیا گردد.

بیان این مطلب ضروری به نظر می‌رسد، اینکه بسیاری از کشورهای جهان دارای قدمت فرهنگی و پیشینه‌ی تاریخی نیستند، مثلاً: اعراب که خود قومی پراکنده و چادرنشین بودند و مداوم در حال جنگ و نزاع با دیگر قبایل داخلی خود به سر می‌بردند از پیشینه‌ی تاریخی و قدمت فرهنگی برخوردار نیستند، اما در مقابل کشورهایی همچون ایران، هند، آلمان، یونان و مصر از قدمت و پیشینه‌ی فرهنگی والایی برخوردارند و در این میان ایران بیش از هر کشوری مورد توجه خاص و عام قرار گرفته است.

شاهنامه، رجعتی سبز به پیشینه‌ی فرهنگی:

در میان خانواده‌های ایرانی پیش از اسلام، معمولاً داستان‌های کهن ملی، سینه به سینه و زبان به زبان نقل می‌شده است - به شکر پروردگار این سنت بسیار نیک و پسندیده هنوز هم در برخی از خانواده‌های اصیل ایرانی دیده می‌شود - که خود مایه‌ی مباهات و افتخار قوم ایرانی است.

جمع‌آوری این داستان‌های کهن که - توسط دوستانان فرهنگ و ادب ملی - سینه به سینه و زبان به زبان نقل می‌شده است باعث شد تا پایه‌های یک اثر گران سنگ به نام شاهنامه پی‌ریزی شود.

فردوسی نیز شاهنامه را که در واقع «سند قومیت و نسب‌نامه‌ی ایرانیان است و چکیده‌ی افکار و قریح و عواطف آنان که در طی اعصار، تنها برای بیان وجوه عظمت ایشان بوجود آمده است و مشحون است به ذکر جنگ‌ها و پهلوانی‌ها و جان‌فشانی‌های ایشان، به نظم درآورده است»^۳ با مطالعه، تحقیق و تفحص در ابیات همیشه سبز و جاوید شاهنامه، پی به ارزش‌های واقعی و اهمیت کار فردوسی می‌بریم. ارزش‌هایی که هر کدام در لحظات حساس از حیات بشری، مورد توجه و استفاده‌ی مردمان سخت‌کوش ایران زمین واقع شده است.

اینک برآنیم تا با استفاده از فضای شاهنامه، برخی از عوامل مهم و پیام‌های موجود در شاهنامه را به عنوان عامل حفظ فرهنگی غنی ایران زمین و وحدت آفرینی و انسجام ملی بیان نماییم.

الف) شاهنامه و انسان متعهد:

در فرهنگ اسلامی، نخستین جایی که از شاعر و شعر متعهد سخن به میان آمده است، قرآن کریم است. حق تعالی در کتاب آسمانی خود قرآن می‌فرماید: «والشعراء يتبعهم الغاوون - الم تر انهم فی کل واد یهیمون. و انهم یقولون ما لا یفعلون. الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و ذکر الله کثیراً و انتصروا من بعد ما ظلموا»^۴

شعر فردوسی، شعر مسؤولیت است. فردوسی خود و شعرش تمام در خدمت اخلاق و جامعه است. به پروردگار آسمان و زمین ایمان دارد و مدام در پی انجام کارهای نیک و به یادماندنی است.

^۳ . حماسه‌سرایی در ایران، صفا، ذبیح‌الله، موسسه‌ی انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۹، ص ۵.

^۴ . شعرا / ۲۴۴ تا ۲۲۷.

از دیدگاه فردوسی انسان متعهد کسی است که به خداوند ایمان داشته باشد، عمل صالح و نیک انجام دهد، همواره به یاد خداوند باشد، در برابر ظلم و ستم به پا خیزد و انجام این امور خود تعهد اخلاقی و انسانی را تشکیل می‌دهند. پس شاهنامه درس اخلاق و زندگی است.

سرتاسر فضای شاهنامه مملو از پهلوانان و دلاوران است که هم متعهداند و هم درس وطن‌پرستی و عشق به هم‌نوعان را به دیگران می‌آموزند. به عنوان مثال: سیاوش در مقابل خواسته‌های نامشروع سودابه تن در نمی‌دهد و نسبت به کاووس و مسایل اعتقادی خویش وفادار باقی می‌ماند. شخصیت سیاوش در این داستان نمونه‌ی اعلا‌ی یک انسان متعهد است.

کیخسرو در شاهنامه تلاش می‌کند تا دشمن واقعی ایرانیان را نابود کند، پس او نیز که در پی آرامش و سعادت بشری است انسانی متعهد محسوب می‌شود.

رستم، شخصیت آرمانی فردوسی، همان کسی است که هرگاه کشور گرفتار توفان حوادث می‌شود بی‌درنگ حاضر شده و به غیر از وطن و کشور به هیچ چیز دیگر نمی‌اندیشد. نمونه‌ی اعلا‌ی تعهد و وطن‌دوستی رستم زمانی خود را بیشتر نشان می‌دهد که در ملاقات با کاووس مورد خشم و بی‌مهری او قرار می‌گیرد. مجلس را به نشان اعتراض با خشم ترک می‌کند و می‌گوید که مقام شهریار یزینده‌ی کاووس نیست. گودرز از شجاعت‌ها و دلیری‌های رستم برای کاووس سخن می‌گوید. کاووس که از ناحیه‌ی دشمن احساس خطر می‌کند سخت پشیمان می‌شود و گودرز را واسطه‌ای برای صلح و آشتی با رستم برمی‌گزیند. سخنان گودرز در رستم تأثیر می‌گذارد و چون سخن از کشور و مقابله‌ی با دشمن مطرح می‌شود، خشم رستم نسبت به کاووس فرو می‌نشیند و بار دیگر عشق به وطن سرتاسر وجودش را فرا می‌گیرد و با گودرز به دربار برمی‌گردد.

به راستی این همه رشادت‌ها و خود را در معرض هلاکت قرار دادن چه دلایل دیگری می‌تواند داشته باشد؟ شاید پاسخ این سوال را بتوان در بخش حماسی شاهنامه جست و آن اینکه نخست بدانیم حماسه چیست و ریشه‌ی اصلی تدوین حماسه‌ها در چیست؟

آقای محمد مختاری در کتاب «حماسه در رمز و راز ملی» می‌گوید: «حماسه یک شعر بلند روایی است، درباره‌ی رفتار و کردار پهلوانان و رویدادهای قهرمانی و افتخارآمیز در حیات باستانی یک ملت».^۵

به تعبیر ما، حماسه یعنی شرح دلاوری‌ها و جنگ‌های یک قوم به منظور دفاع از جان و مال و ناموس و وطن. اینگونه اندیشیدن برای دفاع از وطن خود باعث همفکری، تبادل نظر و استقلال و وحدت جامعه می‌شود. پس می‌توان با اطمینان اشاره کرد که ریشه‌ی اصلی تدوین حماسه‌ها همواره «استقلال و وحدت ملی» است.

البته گاهی اعتبار و عظمت حماسه‌ها می‌توانند از آنچه هستند بیشتر و بیشتر شوند و آن وقتی است که حماسه با دین و اعتقادات یک قوم آمیخته می‌شود و به عنوان مثال، پدیده‌ی بسیار ارزشمندی همچون «حماسه‌ی هشت سال دفاع مقدس ایران زمین» را به وجود می‌آورد. مبارزات مردم فلسطین و قیام و انتفاضه‌های آنان نیز در واقع حماسه‌ای است جاویدان که به ارزش‌های ملی تبدیل شده است و شهادت و خویشتن را در راه وطن فدا کردن بهترین آرمان و آرزوی هر مرد و زن فلسطینی شده است.

^۵. حماسه در راز و رمز ملی، مختاری، محمد، انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۲۷.

ب) شاهنامه، پیام عدالت‌جویی و ظلم‌ستیزی:

«و سيعلم الٰذین ظلموا منقلب ینقلبون». یعنی کسانی که ستم روا می‌دارند خواهند دانست به چه کینه گاهی بازگشت می‌کنند.

در جهان‌بینی فردوسی، داد به منزله‌ی زیربنایی سعادت و بهروزی اجتماعات بشری و مهم‌ترین وسیله‌ی رهایی فرزندان آدم از هر پلیدی و تباهی دانسته شده است. به نظر حکیم توس، پروردگار از بندگانش به جز عدالت‌پروری در کارها و رعایت عدل و انصاف و مهربانی به هم‌نوعان خود چیزی دیگر نخواسته است:

«خداوند کیوان و گردان سپهر زبنده نخواهد بجز داد و مهر»^۶

سخن زیبای حضرت فردوسی به اعتبار این است که اگر هر کدام از بندگان الهی، عدل و عدالت را رعایت کند، بدون شک همه‌ی خوبی‌ها و نعمات و برکات و آبادانی‌ها و آرامش و صلح و زمینه‌های انسان دوستی فراهم می‌شود و اگر ظلم و ستم بر عدل و عدالت چیره شود، فقر و فساد و سیه‌روزی بر مردمان زمانه روی می‌آورد تا جایی که ظلم و ستم بیدادگران همچون آتشی سوزان خرمن هستی و زندگی آنان را نیست و نابود می‌کند.

در سرتاسر فضای شاهنامه، موضوع ظلم‌ستیزی و عدالت‌جویی، از زبان پادشاهان، وزیران و پهلوانان آرمانی مورد نظر فردوسی (دوره پهلوانی و اساطیری) با تعابیری زیبا و آموزنده بیان شده است.

منوچهر در آغاز پادشاهی‌اش، جهان را سراسر مژده به عدالت و نیکی می‌دهد:

^۶. شاهنامه فردوسی، ژول مول، انتشارات سازمان کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۴۵، ج ۵، ص ۲۰۶.

«به داد و به دین و به مردانگی به نیکی و پاکی و فرزاندگی

بدان را زبید دست کوتاه کنم زمین را به کین رنگ دیبه کنم

هر آن کس که در هفت کشور زمین بگردد زداد و بتابد ز دین

همه سر به سر نزد من کافرنند وز اهریمن بد کنش بدترند»^۷

این اندیشه و اعتقاد استاد توس درباره‌ی اثرات مثبت و منفی داد و بی‌داد برگرفته از تفکر و

جهان‌بینی است که در متون اسلامی آمده است که: «چون نیت پادشاه از نیکی منحرف گردد، احوال

زمانه فاسد و اوضاع روزگار تباه می‌شود، چنان که کلام صدق امیرالمؤمنین (ع) بدان تصریح دارد: اذا

تغیرت نیه السلطان فسد الزمان».^۸

سعدی شیرازی گفتار در کتاب ارزشمند گلستان در مقام مقابله‌ی مظلوم با ظالم می‌گوید: «اندک

اندک خیلی شود و قطره قطره سیلی گردد، یعنی آنان که دست قوت ندارند سنگ خورده نگه دارند تا

به وقت فرصت دمار از دماغ ظالم برآرند».^۹

تاریخ ثابت کرده است که ملت ایران نه تنها در برابر ظلم و ستم تسلیم نشده‌اند، بلکه برخلاف

انتظار دشمنان، در مواقع سختی با یکدیگر همراه و هم‌قدم شده‌اند و دست در دست هم با انگیزه و

هدفی والا برای ریشه‌کن کردن ظلم و ستم برخاسته‌اند که پیروزی انقلاب اسلامی ایران خود

نشان‌دهنده‌ی ظلم‌ستیزی و عدالت‌جویی این قوم کهن بوده است.

^۷. همان، ص ۶۰.

^۸. معراج السعاده، نراقی، ملااحمد، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۳۲، ص ۱۵۷.

^۹. گلستان سعدی، یوسفی، غلامحسین، انتشارات خوارزمی، چاپ پنجم، ۱۳۷۷، ص ۱۵۷.

ج) شاهنامه و اخلاق نیک :

بی‌جهت نیست که کتاب شاهنامه‌ی فردوسی یک اثر کم‌نظیر محسوب می‌شود، به اعتبار اینکه سرتاسر کتاب مملو از سخنان حکمت‌آمیز و نکات ناب اخلاقی است تا جایی که می‌تواند برای هر خواننده سرمشقی باشد و راه و رسم زندگی کردن را به انسان‌ها بیاموزد و آنان را به رستگاری رهنمون کند.

پرداختن به پند و اندرز و نکات تعلیمی توسط شاعر با بیان مسائل گوناگون فلسفی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و از زبان قهرمانان متعدد، آن قدر با ظرافت‌های شعری و حکیمانه بیان شده است که بدون اغراق شاهنامه را می‌توان کتاب طهارت روح و مکارم اخلاق دانست.

فردوسی ماندگارترین اندرزهای بزرگان و سخنورانی همچون بزرگمهر را در نهایت فصاحت و بلاغت وارد فضای زیبای شعر خویش کرده است و آن را به گوهر تبع خویش و گوهرهای سودمند اجتماعی آراسته است تا جایی که هر خواننده می‌تواند حض او فر از آن ببرد.

از مهم‌ترین نکاتی که فردوسی در پرورش اخلاق نیک به خوانندگان خود توصیه می‌کند، دوری از خشم و کینه‌توزی است. به نظر او جهان در گذر است و پایان زندگی، بستری است از خاک و بالشی از خشت، پس چرا انسان کینه‌توزی را پیشه‌ی خود قرار دهد؟ چرا باید به زیردستان خود ستم کند؟

«چو بستر ز خاک است و بالش ز خشت درختی چرا باید امروز کشت؟»

که هر چند چرخ از برش بگذرد تنش خون خورد، بار کین آورد»^{۱۰}

^{۱۰} . شاهنامه فردوسی، چاپ مسکو، به کوشش سعید حمیدیان، انتشارات قطره، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، ج ۱ ص ۹۸.

همو در بیتی دیگر انسان‌ها را از بدی کردن باز می‌دارد:

«مگیرید خشم و مدارید کین نه زیباست کین از خداوند دین»^{۱۱}

فردوسی در شاهنامه از چندین «دیو» نام می‌برد و خطرناک‌ترین آنها را دیو آز می‌پندارد. وی ضمن نکوهش افزون طلبی و آزمندی، انسان خرده‌مند را هرگز پایبند به آز و طمع نمی‌داند و تلاش‌های او را در جهت گردآوری مال و ثروت مشاهده نمی‌کند:

«از آز فراوان نگنجی همی روان را چرا بر شکنجی همی

تو را آز گرد جهان گشتن است کس آزدن و پادشا کشتن است

نماندت ای در فراوان درنگ مکن روز بر خویشتن تار و تنگ»^{۱۲}

او راز سعادت و توانگری را در پرهیز از حرص و آز می‌داند:

«توانگر شد آن کس که خشنود گشت بدو آز و تیمار او سود گشت»^{۱۳}

شیخ اجل سعدی نیز زیبا می‌گوید که: توانگری از راه قناعت به است از توانگری از راه بضاعت.»

۱۴

خداوندگار توس معتقد است کسی که دارای اخلاق نیک و حسنه باشد، هرگز گرد مردم آزاری و حرص و طمع بر نمی‌آید:

«میازار کس را که آزادمرد سراندر نیارد به آزار و درد»^{۱۵}

^{۱۱} . شاهنامه فردوسی، دبیر سیاقی، محمد، نشر قطره، تهران، ج ۱، ب ۴۵۴.

^{۱۲} . شاهنامه فردوسی، چاپ مسکو، همان، ج ۷، ص ۹۰.

^{۱۳} . همان، ج ۸، ص ۱۱۸.

^{۱۴} . گلستان سعدی، همان، ص ۱۷۵.

فردوسی انسانی وارسته است و همواره در اندیشه‌ی ساختن انسان‌هایی پاک سرشت و نیک فرجام. کلامش این حقیقت را آشکار می‌سازد که در سایه‌ی اخلاق نیک و انسانی می‌توان به صفات ارزشمندی هم‌چون: «گذشت، فداکاری، نوع‌دوستی، عشق، محبت و سرانجام اتحاد ملی» رسید. صفاتی که می‌تواند در مواقع حساس دست‌ها را در یک‌دیگر گره زده، دل‌ها را درهم بیامیزد و اراده و تصمیم‌ها را یک سو نماید. بدون شک جامعه‌ای که از این اخلاق پاک بی‌بهره است، هرگز به شایستگی‌های قومی و وحدت ملی دست نخواهد یافت.

(د) شاهنامه، خردگرایی و مبارزه‌ی با جهل و نادانی:

«به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد»^{۱۶}

بیت فوق، سرآغاز شاهنامه‌ی فردوسی است. او با استعانت از پروردگار که صاحب جان و خرد است، از جان و خرد به عنوان دو گوهر مینویی یاد می‌کند.

مسئله‌ی خرد در شاهنامه، یک مسئله‌ی بنیادی است و پایه‌ی کارها بر آن نهاده شده است. خرد نزد فردوسی مفهومی بسیار وسیع دارد. کمتر کتابی در جهان وجود دارد که به اندازه‌ی شاهنامه تأکید بر خرد داشته باشد. خرد، مجموعه‌ی اندیشه‌ها و تجربه‌های عملی انسانی است که متراکم شده و به صورت یک دستورالعمل و راهنما به کار می‌آید.

در شاهنامه می‌خوانیم:

^{۱۵} . شاهنامه فردوسی، همان، ج ۶، ص ۲۷۲.

^{۱۶} . همان، ج ۱ ف ص ۱۲.

«خرد بهتر از هر چه ایزدت داد ستایش خرد را به از راه داد
خرد را و جان را که یارد ستود و گرمن ستایم که یارد شنود
خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد به هر دو سرای»^{۱۷}

به قول آقای اسلامی ندوشن: «وجود انسان وقتی از حد احتیاجات جسمانی خود بیرون آمد، وارد مرحله‌ی دوم یعنی مرحله‌ی معنوی و فرهنگی می‌شود که در آن‌جا به راهنمایی خرد، زندگی می‌کند.»

۱۸

به راستی همین عقل و خرد است که به قول فردوسی می‌تواند عامل سحوری و آگاهی در آدمی شود. به انسان‌های جاهل اندرز می‌دهد که از خواب غفلت بیدار شوید و از سرنوشت آنانی که با آن همه شکوه و جلال را ترک کرده‌اند، عبرت بگیرید و از کارهای ناشایست توبه نمایید و گرد کارهای ناپاک نگردید:

«اگر بخردی سوی توبه گرای همیشه بود پاک دین، پاک رای»^{۱۹}

حکیم توس بزرگ‌ترین دشمن را برای جامعه‌ی بشری جهل و نادانی می‌داند. به نظر او جهل و نادانی هم چون بند و زندانی است که آدمی را در تمام عمر اسیر خویش می‌کند:

«ز مردان بتر آن که نادان بود همه زندگانی به زندان بود»^{۲۰}

و حتی در بیتی دیگر بی‌ارزشی افراد نادان را این‌گونه بیان می‌کند که:

^{۱۷} . همان، ج ۱، صص ۱۳-۱۴.

^{۱۸} . چهارسخنگوی وجدان ایران، اسلامی ندوشن، محمدعلی، نشر قطره، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۱۴.

^{۱۹} . شاهنامه فردوسی، دبیر سیاقی، محمد، همان، ج ۵، ص ۴۵۳۴.

^{۲۰} . شاهنامه فردوسی، چاپ مسکو، همان، ج ۸، ص ۲۸۷.

«ز نادان بنالد دل سنگ و کوه از ایرا ندارد بر کس شکوه»^{۲۱}

^{۲۱} . شاهنامه فردوسی، دبیر سیاقی، محمد، همان، ج ۵، ب ۱۴۶۶.

نتیجه :

به نظر فردوسی، عقل و خرد موهبتی است الهی که می‌تواند پیوندی عمیق در اعماق وجود انسان ایجاد نماید. عقل و خرد همچون پروبالی است که می‌توانند آدمی را تا اوج اندیشه و کمال و معرفت به پرواز درآورند و رمز جاودانگی و ماندگاری هر قوم و ملت، پایبند بودن به احکام الهی و بهره‌مندی از عقل و منطق است.

موضوعاتی که در این مقاله آن‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم از مهم‌ترین عواملی است که در اشعار فردوسی، شاعر بزرگ حماسه‌سرای مورد توجه قرار گرفته است. شخصیت والای شاعر در سرتاسر اشعارش و در موضوعات مختلف بیان شده در شاهنامه به خوبی نمایان است. در واقع اشعار وی آینه‌ی تمام‌نمای افکار، آرا و عقاید اوست. استاد مسلم ادب فارسی تلاش کرده است تا با بیان تاریخ ایران زمین و سردون اشعاری زیبا دادِ دلِ مردم سخت‌کوش و ستم‌دیده‌ی ایران زمین را از دشمنان این مرز و بوم بگیرد و با مقابله‌ی با دشمنان، تاریخ و هویت مسخ شده‌ی ایران را دوباره زنده و احیا کند که البته از انجام این مهم بسیار خوب برآمده است و امروزه شاهدیم که از فردوسی، زبان فارسی و تصویرسازی‌های شاهنامه در سراسر جهان به نیکی و عظمت یاد می‌شود. البته عوامل متعدد دیگری نیز همچون ملیت، نژاد، زبان، دین و ... نیز می‌تواند در شاهنامه‌ی فردوسی مورد توجه قرار گیرد که پرداختن به این عوامل در این مقال نمی‌گنجد.

در پایان یادآور می‌شوم آنچه گفته شد تنها به عنوان مشتتی از خروار ارائه گردید، باشد که قبول

افتد.

فهرست منابع و مآخذ :

۱. قرآن کریم : شعرا / ۲۴۴ تا ۲۲۷.
۲. دیوان خاقانی، تصحیح، مقدمه و تعلیقات از ضیاءالدین سجادی، انتشارات زوار، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
۳. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله، انتشارات ققنوس، چاپ پنجم، ۱۳۶۸.
۴. حماسه‌سرایی در ایران، صفا، ذبیح‌الله، موسسه‌ی انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۹.
۵. حماسه در راز و رمز ملی، مختاری، محمد، انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۶. چهارسخنگوی وجدان ایران، اسلامی ندوشن، محمدعلی، نشر قطره، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۷. شاهنامه فردوسی، ژول مول، انتشارات سازمان کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۴۵.
۸. شاهنامه فردوسی، چاپ مسکو، به کوشش سعید حمیدیان، انتشارات قطره، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
۹. شاهنامه فردوسی، دبیر سیاقی، محمد، نشر قطره، تهران.
۱۰. گلستان سعدی، یوسفی، غلامحسین، انتشارات خوارزمی، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.
۱۱. معراج السعاده، نراقی، ملااحمد، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۳۲.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.